



در حسینیه امام خمینی (ره) انجام شد
**بازدید مقام معظم رهبری از
نمایشگاه شرکت‌های دانش‌بنیان**

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری دیروز از نمایشگاه شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های برتر (ایران ساخت) در حسینیه امام خمینی(ره) بازدید کردند. در این بازدید دوساعته...

صفحه ۲

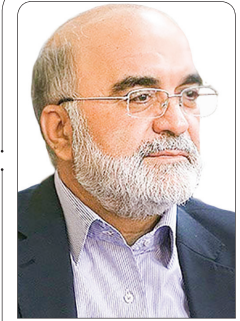
چهارشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۸ ۱۰ صفر ۱۴۴۱ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹



ناصر سراج:
**برکنار نشدم
استعفادادم**

گروه سیاست: حواشی غیبت ناصر سراج، رئیس سابق بازرسی کشور و مشاور رئیس قوه قضائیه، در جلسه تودیع و معارفه رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور همچنان ادامه دارد. قاضی سراج که غایب بزرگ مراسم تودیع خود بود...

صفحه ۲



سال هفدهم شماره ۳۵۴۵ ۱۶ صفحه ۴۰۰۰ تومان

تیتراها

**اصولگرایان دنبال
جایگزینی جلیلی
بالاریجانی**

صفحه ۲

**لیست‌های سفارشی
بورسیه در دولت‌های
نهم و دهم**

صفحه ۲

قاضی صلاتی در پنجمین جلسه محاکمه گروه عظام:

از ایلروانی نترسید

صفحه ۵

**قیام اطلاعاتی علیه
رئیس جمهوری آمریکا**

صفحه ۱۵

زهره صدراعظم نوری:

**اگر دادگاه شریفی
علنی باشد!**

صفحه ۱۳

بازخورد های تنلو

صدای دگردیسی

عمادالدین باقی

صفحه آخر



حرف اول

پسااصلاح طلبی

محمد رضا تاجیک

۱- جریان‌ی در راه است؛ بایدد باشد. جریان‌ی در راه است چون جریان‌های بدون جریان امروز، به‌گونه‌ای ناسازه‌گون (پارادوکسیکال) با انفعال و انجماد خود، نه‌تنها در حال تسطیح و هموار کردن مسیر آمدنش، که در تلاش برای مامایی کردن و متولدکردنش هستند. با این بیان می‌خواهیم بگوییم، این جریان در راه، از راه‌ی دور-زمانی در آینده- نمی‌آید، بلکه از جایی نزدیک -جایی در تاریخ اکنون- می‌آید/ ساخته می‌شود. در اینجا برخلاف این گفته دریدا که «در راه‌بودگی نویید آینده مطلوب را

از خود دارد و با انتظار صرف و منفعلانه رابطه‌ای ندارد» می‌خواهیم از در راه‌بودگی‌ای سخن بگوییم که با کنش‌ی منفعلانه هم‌ره و همراه است. اگر چه از دریدا می‌پذیریم که آینده اکنونی نیست که هنوز نیامده باشد؛ اکنون در خودش آینده است و نیز از او می‌پذیریم که اگر هم‌واره در راه‌بودن چیزی را پس ذهن خود داشته باشیم و زمان را به آینده امتداد دهیم، در هر لحظه بی‌نهایت امکان نهفته است و هر لحظه می‌تواند به بی‌نهایت شکل کشوده شود، اما می‌توان -به تجزیت تاریخی- از در راه‌بودگی‌ای نام برد که اولاً، مطلوب نیست، و ثانیاً، عامدانه و آگاهانه نیست. در مقابل، می‌توان از آن جریان در راه‌بودگی و آینده سخن گفت که همچون رسالتی است که باید بر دوش کشید و باید مسئولیت تحقق آن را پذیرفت.

آن جریان که در انفعال و انجاماد اصلاح‌طلبان ساخته می‌شود، نه‌تنها نام و نشانی اصلاح‌طلبانه نخواهد داشت، بلکه در هیبت و صورت نافی و عدوی این جریان ظهور خواهد کرد. اما آن جریان که نتیجه اراده معطوف به آگاهی و خودآگاهی و خودانتقادی آنان خواهد بود، باید از خود اکنون آنان -آنچه اکنون هستند- امتناع و تخطی کند و در قاب و قالبی دیگر بروز و ظهور کند. تکلیف اکنون اصلاح‌طلبان -به بیان سورن کی‌پر کگارد- فقط این نیست که بدانند کی‌بستند، بلکه این است که خودشان را بیافرینند. صرف نظر از اینکه چه بوده‌اند -به گفته ژان پل سارتر- اکنون باید تصمیم بگیرند چیز کاملاً -یا حداقل در پاره‌ای سطوح و لایه‌های نظری و عملی- متفاوتی شوند. اصلاح‌طلبان نخواهند توانست آن شوند که می‌خواهند، اگر آن همانند که هستند، ره‌توشه این «رفتن» و «شدن» نقد و پرسشگری مستمر است. به بیانی دیگر، تقدس «جریان در راه» -چنانچه اراده بر آن باشد که رنگ و بویی اصلاح‌طلبانه داشته باشد- به تقدسِ «نقد» و «پرسش» گره خورده است.

ادامه در صفحه ۴

سخنگوی مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه: ۷ نهاد عالی کشور برای ثبت دارایی‌های خود در «سامانه ثبت دارایی مسئولان» پیشگام شدند

افشای دارایی مسئولان جرم است

صفحه ۵



صفحه ۶

یادداشت

ماجرای من و یک بازپرس معزول

نظر ضمانت قابل قبول بانک‌های ایرانی را به جهت تضمین واریز پول در زمان‌بندی مورد توافق، دریافت کنیم. خوشحال از اینکه توانسته بودم در کوتاه زمان با راهنمایی و ارشاد آقای بازپرس که دیگر با روحیات او آشنا شده بودم، قدم مؤثری برداشته و موجبات برگشت پول به کشورم را فراهم کنم. همه چیز خوب پیش می‌رفت تا بعد از چند جلسه بازجویی و تحقیق و نیز مذاکره من با طرف مقابل و نزدیکی توافق زمانی برای شرکت در جلسه تعیینی در بانک کشور مورد نظر، ناگهان رفتار آقای بازپرس تغییر کرد. اسفندماه بود و شلوغی رفت و آمد خانواده روزنامه‌نگاران زندانی به بازپرسی و دادسرا و به‌هم خوردن بازجویی از موکل که قبلاً منظم و دوره‌ای انجام می‌شد!

از تغییر رفتار بازپرس متعجب بودم و همه را حمله بر تراکم کار و افزایش تعداد زندانیان پرونده سایت معروف مورد تعقیب می‌دانستم. تا اینکه نصایح این که نگارنده شروع شد؛ شما چه نفعی از حضور در این پرونده می‌برید؟ می‌دانیم که موکل زندانی شما دسترسی به اموالی ندارد که بتواند دستمزد شما را بپردازد و خویش‌وقوم او هم که در دسترس نیست، بهتر است شما در این پرونده دخالت نداشته باشید! گفتم اگر از روز اول می‌گفتید هرچند شب با خویش و قوم موکل در خارج از کشور صحبت کردم و فردا صبح نتیجه را به اطلاع بازپرس رساندم. دو، سه روز مذاکرات تلفنی ادامه پیدا کرد و موافقت خویش و قوم موکل را برای پرداخت پول در یکی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس جلب کردم که چند نفری از طرف دادسرا و نهاد شاکي به اتفاق من به آن کشور برویم و یکی از بانک‌های کشور مورد

از صبح اول کاری که وارد محل کار خود می‌شوند و بیرون نمی‌آیند و به بیرون سرگ نمی‌کشند.تا با ارباب‌رجوع‌هایی که آنان را احضار کرده و پشت در ساعت‌ها انتظار می‌کشند، روبه‌رو نشوند، ابایی نداشت که هر چند وقت یک‌بار از شعبه خارج شود و نگاهی زیرکانه به خیل منتظران پشت در اتاق خود بیندازد؛ نه سلامی نه علیکی. هر چند این پیج‌چ‌ها و صحبت‌های در گوشه ارباب‌رجوع‌های منتظر، قضاوت‌های گوناگونی از نوع برخورد او با پیامبران در آن نهفته است؛ اجرای قسط و عدل، اما سقوط در این منصب هم مسائل خود را دارد. وقتی خبر سقوط بازپرس یکی از شعبات دادسرای کارکنان دولت، منتشر شد، نگارنده نه اینکه تعجبی نکردم بلکه دو، سه سال قبل، احتمال آن را می‌دادم. زمانی که همین موضوع، یعنی سقوط او را گوشزد کردم با واکنش تند ایشان مواجه شدم. روزی به او گفتم: «قضاوت شغل افراد مستقل است و شما که در شعبه‌ای ویژه مشغول به قضاوت هستید و پرونده‌های خاص در اختیار شما قرار می‌گیرد و با افراد و مسائل ویژه و مهم روبه‌رو هستید، خوب است استقلال خود را در نظر بگیرید و آن را حفظ کنید و تحت تأثیر این و آن قرار نگیرید. یک طبقه بالاتر همین ساختمان دادستانی بود شهره خاص و عام به نام سعید مرتضوی؛ سرنوشت او را در نظر بگیرید!» ناگهان برافروخت و با تحکم گفت: «مرا تهدید می‌کنید؟»، گفتم: «من در جایگاهی نیستم که شما را تهدید کنم و تهدیدی هم در کار نبود، فقط یادآور سرنوشت مردی شدم که به‌مراتب از شما قدرتمندتر بود». برخلاف اکثر بازپرسان که می‌کوشند

از صبح اول کاری که وارد محل کار خود می‌شوند و بیرون نمی‌آیند و به بیرون سرگ نمی‌کشند.تا با ارباب‌رجوع‌هایی که آنان را احضار کرده و پشت در ساعت‌ها انتظار می‌کشند، روبه‌رو نشوند، ابایی نداشت که هر چند وقت یک‌بار از شعبه خارج شود و نگاهی زیرکانه به خیل منتظران پشت در اتاق خود بیندازد؛ نه سلامی نه علیکی. هر چند این پیج‌چ‌ها و صحبت‌های در گوشه ارباب‌رجوع‌های منتظر، قضاوت‌های گوناگونی از نوع برخورد او با پیامبران در آن نهفته است؛ اجرای قسط و عدل، اما سقوط در این منصب هم مسائل خود را دارد. وقتی خبر سقوط بازپرس یکی از شعبات دادسرای کارکنان دولت، منتشر شد، نگارنده نه اینکه تعجبی نکردم بلکه دو، سه سال قبل، احتمال آن را می‌دادم. زمانی که همین موضوع، یعنی سقوط او را گوشزد کردم با واکنش تند ایشان مواجه شدم. روزی به او گفتم: «قضاوت شغل افراد مستقل است و شما که در شعبه‌ای ویژه مشغول به قضاوت هستید و پرونده‌های خاص در اختیار شما قرار می‌گیرد و با افراد و مسائل ویژه و مهم روبه‌رو هستید، خوب است استقلال خود را در نظر بگیرید و آن را حفظ کنید و تحت تأثیر این و آن قرار نگیرید. یک طبقه بالاتر همین ساختمان دادستانی بود شهره خاص و عام به نام سعید مرتضوی؛ سرنوشت او را در نظر بگیرید!» ناگهان برافروخت و با تحکم گفت: «مرا تهدید می‌کنید؟»، گفتم: «من در جایگاهی نیستم که شما را تهدید کنم و تهدیدی هم در کار نبود، فقط یادآور سرنوشت مردی شدم که به‌مراتب از شما قدرتمندتر بود». برخلاف اکثر بازپرسان که می‌کوشند

نعمت احمدی

حقوق‌دان



ادامه در صفحه ۲

**برای درج تبلیغات خود در وبسایت
روزنامه شرق با ما تماس بگیرید**

دومین روزنامه پربازدید
ایران در فضای مجازی



۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

الو شرق
۸۸۹۴۸۲۷۳

خبر به وقت شرق



به

**تلگرام شرق
پیوندید**

@sharghdaily